

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »

۱۱ مارچ ۲۰۱۷

نماز به زبان مادری

مقدمه:

نماز ستون اساسی مسلمانی، بنیاد دین مقدس اسلام، پیشرو و سید همه عبادتهاست و به تعریف دیگر نماز تذکره و کارت هویت مسلمانی است. هر که این پنج فریضه را مطابق سنت پیامبر بزرگوار اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم به جای آورد، به علاوه این که از زشتی های قولی و فعلی؛ نجات می یابد، بلکه رحمت انوار الهی در دلش قرار خواهد گرفت.

از جانبی هم چون نفس در ذات خود تشنه حقیقت و سعادت است و فطرتاً آماده آن می باشد، بنام نماز پناهگاه مأمین و پایگاه آرامش و سکون غلبه بر نگرانی ها و آسودگی برای کسی است که آن را به خاطر کسب سعادت و رحمت الهی با عشق و محبت انجام دهد. بنام در مقام و منزلت نماز همین کافیسست که اولین آنچه که بنده در مورد آن، مورد محاسبه قرار می گیرد، نماز می باشد.

روز آخر که جانگداز بود – اولین پرسش از نماز بود

لذا اگر نماز مسلمان صحیح بود، به تبع آن بقیه اعمالش نیز صحیح و درست می باشد و اگر نمازش فاسد بود، بقیه اعمالش نیز فاسد شده می تواند.

الله متعال مقام نماز و بنده نماز گزار را بزرگ و گرامی داشته و منزلت خاص بخشیده است. نماز در میان سایر عبادات، به طور مخصوص، در بسیاری از مواضع قرآن کریم ذکر و تعبیر گردیده و در بسا مقام بلند و رفیع قرار دارد.

از امام احمد (رح) روایت است که فرمودند: هر سُبُک شمارنده نماز و تحقیر کننده آن در واقع سُبُک شمارنده، تحقیر کننده و توهین کننده اسلام می باشد و فقط بهره آنان از اسلام به قدر بهره شان از نماز بوده و رغبتشان به اسلام به اندازه رغبتشان به نماز می باشد.

قرانت در نماز باید حتماً عربی باشد!

خواندن نماز به زبان عربی و با همان الفاظ و کلماتی که پیامبر صلی الله علیه وسلم و دیگر مسلمانان صدر اسلام می خواندند دلایل و حکمت های مختلفی دارد که من صرف به برخی از آن ها اشاره خواهم کرد .

اول:

تعبدی و توفیقی بودن خواندن نماز به زبان عربی، این بدین معنی است که شریعت مقدس اسلام دستور به عربی خواندن نماز داده است.

با توجه به این که روح عبادت بر تسلیم و تعبد است طبعاً انسانی که می خواهد عبادت الله را به عمل آرد آن چیزی را انجام می دهد که پروردگارش از او خواسته است و طبق آیات قرآنی و احادیث نبوی و سیره پیامبر صلی الله علیه وسلم این واجب و تکلیف دینی به این شکل واجب شده . اگر چه انسان می تواند در غیر اوقات نماز با هر زبانی که می خواهد با الله خویش راز و نیاز کند .

دوم :

فلسفه و حکمت دیگری که در خواندن قرائت با زبان عربی وجود دارد ، اینست ، تا وحدت زبانی در وقت نماز در میان کافه مسلمانان که از هر رنگ ، نژاد ، قوم و لسان باشند ، ایجاد گردد ، جهت ایجاد زبان مشترک میان همه پیروان اسلام ، در واقع فراهم سازی وحدت و پیوند بین المللی دینی است.

طوری که برای همه معلوم و هویداست که هدف اساسی دین تقرب در بین انسانها و متحد ساختن ، جامعه های بشری و برقراری تفاهم بین افراد و رفع اختلاف های ناشی از زبان و نژاد و دیگر اختلاف ها آمده است ، و اگر ادای نماز و به خصوص قرائت در نماز، به زبان های مختلف صورت می گرفت ، به یقین کامل، موجب جدائی مسلمانان و سبب اختلاف و پراکندگی، تفرقه و در نهایت عامل اساسی بعضی تعصبات در بین مسلمانان و جامعه امت اسلامی می گردید.

سوم:

فرضیت خواندن سوره فاتحه در هر رکعت از نماز اینست ، تا مسلمانان حکمت مناجات با الله خویش را بیاموزند، و سوره حمد طرز دقیق مناجات و سخن گفتن نماز گزار را با الله می آموزاند .
و اگر هر کس به زبان خود ترجمه سوره حمد را بخواند این هدف و مقصود عالی حاصل نمی شود یعنی آن گونه که بنده باید معبودش را ستایش کند نمی تواند ستایش کند و این تعلیم الهی به فراموشی سپرده می شود.

چهارم:

قرائت و اذکار دیگری که در نماز است به صورت دقیق در هیچ زبانی ترجمه ندارد. یعنی نمی توان همان مفاهیمی که در اذکار نماز به زبان عربی است به صورت دقیق ترجمه و معنی کرد و آن را بیان نمود .

اگرچه برخی از مفسرین سعی و کوشش به خرج داده اند که در ترجمه قرآن سعی بلیغ به خرج دهند ولی انصاف خواهد بود ، اعتراف نمایم که با موجودیت ظرفیت های بسیار عالی در زبان عربی و به خصوص در زبان وحی ، برای مفسرین و مترجمان مشکل و دشوار خواهد بود که معادل برخی از کلمات را در زبان های مادری خویش دریابند. و زیادتیر اوقات ملاحظه شده است که مترجمین برای توضیح یک اصطلاح چندین سطر توضیحات ارائه می دارند. طوری که این امر در کار بسیاری از تفاسیر به ملاحظه می رسد .

اگر در کتب تفاسیر ملاحظه فرموده باشید که مقداری از زیبایی ها و ظرافت های متن اصلی به هدر می رود و این تنها مختص به ترجمه قرآن نه بلکه يك ترجمه صد در صد وفادار به متن از هیچ يك از شاهکار های ادبی ممکن نیست، پس به این معنا هم قرآن ترجمه ناپذیر است و هیچ وقت بشریت توانمندی ترجمه کما حقه آن را به دست نخواهد آورد .

بناءً به صورت کل گفته می توانیم که تفاوت زبان‌ها، فرهنگ‌ها، ساختار شکلی زبان خواسته یا ناخواسته محدودیت‌هایی را در امر ترجمه ایجاد می‌کند؛ بنابراین قرآن را به طور کامل نمی‌توان ترجمه کرد، زیرا هیچ ترجمه‌ای فصاحت، بلاغت و جامعیت متن قرآن را نمی‌تواند داشته باشد.

به طور مثال از ترجمه سوره « حمد » نام می بریم ، هیچ مترجمی قادر نخواهد شد توانمندی آن را بیابد تا: بتواند تمام مفاهیم این سوره را به زبان دیگری بیان کند. از جمله تنها کلمه «الله» ، هیچ معادلی در زبان دیگر ندارد ، مثلاً ترجمه نام (الله) به زبان دری به کلمه خدا ، ویا پروردگار ویا خُبتن تعالی در زبان پشتو معادل کلمه «الله» شده نمی‌تواند .

علماء می گویند : اگر چه با توجه به اسبابی که ذکر کردیم نماز باید به زبان عربی خوانده شود اما این بدان معنی نخواهد بود که شخصی نتواند به هیچ زبان دیگری با الله سخن بگوید. طوری که در فوق یادهم آور شدیم ،انسان می‌تواند با هر زبانی که خواست در غیر وقت نماز با الله خویش سخن گفته و با او راز و نیاز کند و درد ها و نیاز های خود را با او در میان گذارد. حتی در قنوت نماز که قسمت خواستن حاجت ها است انسان می‌تواند به زبان پشتو ویا دری یا هر زبان دیگر با او سخن گوید. (غرض توضیح بیشتر در این مورد میتوان به «کتاب قرآن شناسی» (محمد تقی مصباح یزدی ، و تفسیر نمونه مرجعه فرماید)

قرانت در نماز به زبان مادری:

قبل از همه باید گفت که : عدم به جای آوردن نماز به زبان مادری غیر عربی بر این مفهوم است که هدف نماز وادای آن به زبان غیر عربی فاقد اهمیت شرعی است. لفظ و محتوای قرآن کریم مقدس است و مسلمان باید نماز را به زبان عربی ویا هم نماز خویش را به همان الفاظ و کلماتی به جای آورد آنطوری که پیامبر اسلام به جای آورده بود. برخی از علل ودلایلی را که چرا ما نمی‌توانیم نماز خویش را به زبان غیر آنچه به آن قرآن کریم نازل شده، به جای آوریم ذیلاً تذکر خواهیم داد:

اول: تعبدی و توقیفی بودن عبادت نماز:

تعبدی و توقیفی بودن عبادت نماز به زبان به زبان عربی بدین معنا است که شریعت اسلام هدایت اُکید فرموده است که نماز را باید به بزبان عربی به جای آوریم. از جانب دیگر باید گفت که حکمت، فلسفه و روح عبادت بر تسلیم و تعبد استوار است. انسانی که می‌خواهد عبادت پروردگار را به جای آورد باید آن را به ترتیب انجام دهد ، آنطوری که پروردگار با عظمت از ما توقع دارد. اولتر از همه و محتوای کلام در این بحث بسیار کهنه و تاریخی در اسلام است که آیا متن و یا هم معنای قرآن کریم مقدس است؟

آیا کسی که قرآن کریم را حتی بدون فهم معنای آن می‌خواند ثواب دارد یا معنای آن را؟ جواب کاملاً واضح است که متن و معنای قرآن کریم هر دو مقدس است. تلاوت نصوص شرعی به شکل که نازل شده مقدس، خوندان و قرانت آن ثواب دارد.

واما مسأله قرائت در نماز:

در مورد مسأله قرائت در نماز اصل کلی وقاعده اساسی حکم پروردگار با عظمت و پیامبر صلی الله علیه وسلم است ، که می فرماید : « صلوا کما رایتمونی اصلی » (همانگونه که می بینید من نماز می خوانم ، نماز خوانید) . بناً مطابق حکم شرعیت نماز باید همان طوری خوانده شود ، طوری که آن را پیامبر صلی الله علیه وسلم به جای می آورده و یا هم به ترتیبی خوانده شود ، که از طرف شارع بالای ما واجب گردیده است . ولی در این هیچ گونه شکی نیست که یک نفر مسلمان می تواند در خارج از وقت نماز ، با هر شکل و به هر زبانی که دلش می خواهد عبادت کند و با پروردگار خویش مصروف راز و نیاز گردد . طبیعی است که عدم توجه به خواست الهی و عمل کردن هر شخص بنا بر خواست خود ، با روح تعبد و تسلیم سازگار نیست .

دوم: نماز رمز ایجاد وحدت بین مسلمانان است:

خواندن نماز به زبان عربی و یا دقیق تر بگویم به همان طریق که فرض گردیده ، طریقه ، راه و رسم پیامبر محمد صلی الله علیه وسلم زمینه را برای وحدت جهانی بین مسلمانان ایجاد می نماید . به جای آوردن نماز به زبان و رسمی که فرض شده یعنی به زبان عربی به مثابه ایجاد زبانی مشترک میان همه پیروان اسلام و در نهایت امر وحدت و پیوند جهانی دینی بین مسلمین به شمار می رود . تلاش برای از بین بردن چنین وحدت همان چیزی است که دشمنان اسلام آن را می خواهند و به آن دامن می زنند .

از جانب دیگر ، زبان عربی زبان يك قوم نیست ، بلکه زبان عربی به مثابه زبان وحی بر تمام مسلمانان دارای مقام و اهمیت خاصی می باشد .

آشنائی و تکلم و قرائت به زبان عربی ، و به جای آوردن نماز به زبان قرآن عظیم الشان و طریقه پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم به زبان عربی برای مسلمان امکان آن را می دهد که با کلام الله (قرآن) هدایات پیامبر صلی الله علیه وسلم (سنت) رابطه مستقیم ، بهتر و دایمی داشته باشد .

تکلم ، سخن زدن و به جای آوردن نماز به زبان عربی سبب می شود که مسلمان نه تنها با کتاب الله و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم آشنائی مستقیم پیدا کند ، بلکه به فهم زبان عربی می تواند با معارف دینی هر چه بیشتر دسترسی پیدا کند .

- زبان شناسان بدین معترف اند که زبان عربی زبانی جامع ، بلیغ و غنی و در نهایت امر در برگیرنده لطایف و ظرایف بیانی می باشد که کمتر زبان مروج انسانی از این گستردگی و جامعیت برخوردار است . یکی از لوازم زندگی مسلمانان و پیروان هر دینی گسترش زبان آن دین می باشد تا راحت تر با متون مورد علاقه خود آشنا شوند .

همچنان باید گفت که زبان عربی را از لحاظ غنای معنوی و اصطلاحات آن ، و از لحاظ مفاهیم و ساختار معنایی ، به خصوص در عرصه معارف دینی ، نمی توان با دیگر زبان های مروج دنیا در مقایسه قرار داد .

از طرف دیگر بخش مهمی از نماز به قرائت سوره های از قرآن اختصاص دارد . در این سوره ها اعجاز وجود دارد که بشر توانمندی آن را ندارد که با دقت و صحت کافی کلام الهی و حیانی را به زبان دیگر ترجمه و آن کلمات را جایگزین متن اصلی و عربی نماید .

به همین علت هم است که ترجمه قرآن کریم عملاً به نحوی تفسیر صورت گرفته می تواند و اطلاق کلمه ترجمه به کتب مندرج معانی قرآن کریم و نصوص شریف افاده دقیق و درست نیست .

بهتر و بجا است تا عوض جمله و کلمه (ترجمه قرآن کریم و حدیث و علم تفسیر) کلمه و جمله (تفسیر قرآن کریم و حدیث و علم تفسیر) به کار برده شود .

قابل به تذکر جدی می بینم که درک این مسأله اهمیت بسزائی دارد که دانست، در آنچه‌ی که که شرع صراحت دارد جست و جوی دلایل عقلانی اضافی و ضیاع وقت خواهد بود.

با تمام صراحت باید گفت : لطایف قرآنی و خاصیت‌های اعجازی قرآن نظیر جنبه‌های نحوی و بلاغی و لطایف کلام عرب هم در ترجمه پشتو و دری قرآن گنجانده نمی‌شود .

به طور مثال پروردگار ما در سوره قصص آیت ۷۹ می‌فرماید «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» پس قارون با کوبه خود بر قومش نمایان شد، کسانی که خواستار زندگی دنیا بودند گفتند، ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده به ما هم داده می‌شد، واقعاً او بهره‌ بزرگی از ثروت دارد»، معمولاً «خرج» را با «من» یا «عن» می‌آورند به معنای «از»، منتهی در این آیت با «فی» آمده است و با تبدیل «عن» و «من» به «فی» در این سوره می‌خواهد بگوید قارون در هاله‌ای از زیور فرو رفته بود زمانی که ما بخواهیم ترجمه کنیم، نمی‌توانیم به زیبایی زبان قرآن تضمین را در این آیت به کار ببریم .

- قرآن کتابی است بی همتا که زیبایی ظاهری و عظمت معنوی آن برابر است. استحکام الفاظ و انسجام کلمات و تازگی افکار در سبک نو ظهور آن چنان متجلی است که پیش از آن که عقول تسخیر معانی آن گردند، دلها تسلیم آن می شوند. در میان پیامبران هیچ کس مانند پیامبر اسلام نتوانسته است این همه نفوذ کلام داشته باشد.

- قرآن با سبک خاص خود، هم سرود مذهبی است و هم نیایش الهی و هم شریعت و قوانین سیاسی و حقوقی و هم نوید بخش و هشدار دهنده و هم پندآموز و هم راهنما و هدایت کننده به راه راست و هم بیان کننده قصه و داستان و حکم و امثال.

- قرآن زیباترین اثر به زبان عربی است که در میان کتابهای مذاهب جهان نظیر ندارد. مسیحیان عرب زبان معترفند که این کتاب شریف چه تأثیر شگرفی در دل و جان شنوندگان دارد.

مارگریت مارکوس (مریم جمیله) دختر جوان یهودی الاصل امریکائی در مورد زندگی خویش و این که چگونه به دین اسلام مشرف شد می نویسد :

وی با شنیدن آیاتی از قرآن مجید چنان شیفته و دلباخته شد که این مسأله او را به انس دائمی با قرآن و مطالعه و بررسی پیرامون اسلام فراخواند و در نهایت هدایت او به این دین مبین و نگارش ده ها کتاب و مقاله در دفاع از اسلام را سبب شد.

بنابراین قرائت آیات الهی در نماز، به خصوص اگر همراه با نغمه دل انگیز قرآن، و توجه و تدبیر در معانی آیات آن باشد، چنان تأثیری دارد که ترجمه را بدان راه نیست.

- قرآن عظیم الشان کلام الهی است، زبان قرآن زبان عربی است و این زبان از تنوع لغات و اصطلاحات و رسائی آن بی نهایت زبان غنی است.

خواننده محترم!

اگر توجه فرموده باشید که اگر انسان بخواهد به ترجمه هر زبان اقدام کند ولو دقیق و با دقت هم باشد ، مقداری از زیبایی‌ها و ظرافت‌های متن اصلی آن به هدر می‌رود و این تنها مختص به ترجمه قرآن نه بلکه يك ترجمه صد در

صد وفادار به متن از هیچ يك از شاهکارهای ادبی ممکن نیست، پس به این معنا هم قرآن ترجمه‌ناپذیر است. و با تمام مسؤولیت باید گفت که هیچ وقت بشریت توانمندی ترجمه‌کماحقه قرآن را به دست نخواهد آورد.

اعتراف باید کرد که با موجودیت ظرفیت‌های بسیاری عالی در زبان عربی و به خصوص در زبان وحی، مفسرین و مترجمان ما با مشکل معادل‌یابی زبان مواجه می‌گردند. و زیادتر از اوقات ملاحظه شده است که برای توضیح یک اصطلاح چندین سطر توضیحات ارائه می‌دارند.

اگر تفاسیر بسیاری از دانشمندان و مفسرین را مطالعه نمایم خواهیم یافت که این مفسرین و مترجمین در بسیاری از موارد از بحث ترجمه خارج شده‌اند و وارد تفسیر می‌شوند، بنابراین همین استدلال و منطق است که برخی از دانشمندان دلیل می‌آورند که: قرآن ترجمه پذیر نمی‌باشد.

زبان ترجمه برای بیان معارف و حقایق قرآنی قاصر است، چون نوعی دوگانگی در دو عرصه ظرف و مطروف وجود دارد؛ یعنی يك حقیقت برتر در عالم الهی و يك ظرف محدود به نام لفظ و معنا در عالم انسانی، که نمی‌تواند حقیقت الهی قرآن را بازتاب کند.

باید دانست که الفاظ در قرآن بر اساس حکمت خداوند انتخاب شده‌اند و این الفاظ قدر معلوم حقیقت الهی است و در ترجمه با برگردان کردن این الفاظ به حقیقتی که الله در نظر دارد نمی‌رسیم.

همچنان تا به حال مترجمین قادر به ترجمه دقیق، جامع و معتبری از سوره حمد، سوره ای که مسلمانان همه روزه آن را در نمازهای پنجگانه خویش تکرار می‌نمایند نشده‌اند.

«بسم الله الرحمن الرحيم» و ترجمه آن به زبان دری:

«شروع می‌کنم به نام خداوند بخشنده و مهربان»

مفسرین می‌نویسند اگر ترجمه «بسم» «به نام» شود در این مورد مشکلی نیست. اما «الله» قابل ترجمه نیست زیرا «الله» اسم علم (= خاص) است برای خدا و اسم علم را نمی‌توان ترجمه کرد.

به طور مثال اگر نام کسی «شمس الدین» باشد، حق ندارید او را به (أفتاب الدین) صدا کنیم. با آنهم اگر دین را هم ترجمه کنید که فارسی/دری شود. مشکل ازین هم پیچیده خواهد شد.

کلمه الله اسم خاص است که مسلمانان بر ذات الله متعال اطلاق می‌کنند، همان‌گونه که یهود خدای متعال را «یهوه» و زردشتیان «اهورا مزدا» می‌گویند. بنابراین نمی‌توان «الله» را ترجمه کرد، بلکه باید همان لفظ جلاله را به کار برد.

بنابراین بهتر و دقیق‌تر خواهد بود که منحیث یک مسلمان و عاشق قرآن در مکالمات روزه مره خویش از ترجمه نام الله تعالی به زبان‌های مختلف خود داری کرد، و عوض آن تا حد توان نام اصلی (الله تعالی) را به کار برد.

ترجمه کلمه «الرحمن» در بسم الله الرحمن الرحيم:

ترجمه دری کلمه «الرحمن» می‌شود: (بخشاینده) اگر منصف باشیم، با تمام صراحت باید گفت که این ترجمه صد در صد مفهوم «الرحمن» را نمی‌رساند، زیرا «رحمن» از جمله یکی از صفات الله است که شمول رحمت و بخشندگی او را می‌رساند و این شمول در کلمه بخشنده نیست، یعنی در حقیقت «رحمن» یعنی الله که در این دنیا هم بر مؤمن و هم بر کافر رحم می‌کند و همه را در مورد لطف و بخشندگی خود قرار می‌دهد از جمله آن که نعمت رزق و سلامت جسم و امثال آن عطا می‌فرماید.

ترجمه (الرحيم) در بسم الله الرحمن الرحيم:

«الرحيم» ترجمه دری آن می‌شود: (مهربان) (رحيم) کلمه ای از قرآنی و نام پروردگار است نباید آن را غلط معنی کنیم. اگر (رحيم) «بخشاینده» ترجمه شود معنی تقریباً خوبی خواهد بود، زیرا «رحيم» یعنی خدائی که

در آن دنیا گناهان مؤمنان را عفو می‌کند و صفت «بخشاینندگی» تا حدودی این معنی را می‌رساند. بنابر آنچه گفته شد معلوم شد که آنچه در ترجمه «بسم الله» آورده‌اید بد نیست ولی کامل نیست و از جهتی نیز در آن عدم دقت ها و به توجیه بالا اشتباهاتی هست .

خواننده محترم !

قرآن يك حقيقت آسمانی و يك جريان الهی است و چون اين جريان در قالب بيان نازل شده طبيعی است كه ظرف نزول آن الفاظ و مفاهيم است و الفاظ و معانی توان صيد حقايق الهی را ندارد. لفظ و معنا در حد ظرفيت خود، حيثيت انعكاسی و بازتابی يك حقيقت را دارند.

از سوی دیگر چون قرآن به عنوان «حبل‌متين» و «عروة‌الوثقی» معرفی شده و در روایات اسلامی آمده است كه سمتی از این ريسمان به دست و طرف انسان‌ها و طرفی از آن به دست پروردگار با عظمت است، اقتضای این را دارد كه کسانی را كه از الفاظ، عبارات، معانی و مفاهيم عبور کرده‌اند، به حقيقت و فهم درست‌تری از قرآن را برساند، به عبارت دیگر لفظ و عبارات در مرحله اول قاصر است، از این‌كه حقيقت الهی را برساند، اما وقتی انسان با این حقيقت انس بگیرد از لفظ به معنا و حقايق عبور می‌کند، ولی اگر کسی بخواهد در حد لفظ و معنا بماند طبيعی است كه نمی‌تواند قدرت بازتابی قرآن را درك كند و از لفظ و معنا انتظار حقيقت را داشته باشد.

- كلمات مترادف به مفهوم اصطلاحی در آن وجود ندارد و در نتیجه الفاظی كه در قرآن مترادف به نظر می‌رسند هريك حامل خصوصياتی متمایز از يك ديگراند كه ترادف را از آن‌ها سلب می‌کند.

انتخاب كلمات عربی در قرآن كريم با خصيصه اعجاز توأم است، به عبارت دیگر به جای لغتی كه در قرآن كريم، مترادف با لغت دیگر به نظر می‌رسد، محال است لغت دیگری را به كار برد.

به طور مثال كلمه «خالق»، «بارئ»، «فاطر» در سوره های مختلفی از قرآن كريم به كار رفته است، نمی‌توان خصوصيات آن‌ها را با تعبیر «آفریدگار» القاء كرد. از آن‌جا كه خداوند متعال بر همه لغات از نظر آگاهی احاطه كامل دارد بهترین آن‌ها را در جای مناسب آورده است كه این كار از عهده و توانائی بشر بیرون است .

به همین علت هم عده ای از مفسرين چنانچه در بالا هم آوردیم، حین ترجمه قرآن كريم كلمه تفسیر را استفاده اضافه می‌نمایند. به خاطر این كه آنچه تحت نام تراجم قرآن كريم تا حال پیشکش شده در واقعیت تفسیر قرآن كريم اند نه صرف ترجمه.

برخی از عالمان علم بلاغت اعتقاد دارند كه راز اعجاز قرآن در بلاغت و فصاحت آن است، این نظم بدیع و بلاغت بی‌پایان باعث شده است كه کسی نتواند برای قرآن مثل و ماندی بیاورد، نظم و اسلوب خاص تألیف قرآن، دلیلی دیگر بر اعجاز آن است، دسته‌ای از اندیشمندان اعتقاد دارند كه سر معجزه بودن قرآن در این است كه این كتاب آسمانی دارای معارف عالی است كه عرضه این معارف عالی، در توان هیچ بشری نیست، بنابراین ترجمه قرآن نیز كه به نوعی رسانیدن پیام قرآن به همه ملت‌ها و فرهنگ‌هاست نمی‌تواند همه معانی و مفاهيم قرآن را آن‌طور كه حق مطلب است اداء كند .

با توجه به آنچه گذشت گفته می‌توانیم تصادفی نیست كه عده ای از محققین به این باورند كه عوض ترجمه قرآن كريم باید به خاطر دقت و احتیاط تفسیر قرآن كريم به كار برده شود. به علت این كه اگر ما در دادن مطالب و مفاهيم دقیق و كامل قرآنی صرف با ترجمه نزدیک لغات عربی بپردازیم به اشکالات و عدم دقت های مواجه شده و یگانه راه همان تشریح تفسیری لغات بیشتر ما را در دقت مساعدت خواهد كرد.

همچنان مسلم این است که یکی از معجزه های حضرت محمدصلی الله علیه وسلم خود قرآن و اعجاز آن است که کلمات برمعانی هماهنگی و صدای هماهنگ و ترنم بخش موافق به معنا خویش را دارد که در زبان عربی به صورت احسن اجراء شده و در زبانهای دیگر به ندرت ممکن خواهد بود و دیده نشده است. این لذت و حالت را با دخل شدن در این معانی و مفاهیم قرآنی و تفاسیر آن به صورت بهتر و خوینتر هر مسلمان دانا بر علوم قرآنی و حتی با شنیدن آیات قرآنی به صورت طبیعی لمس و حس کرده می تواند.

یکی از حکمت های مهم به زبان عربی و به زبان قرآن بودن نماز این است: که با به جای آوردن نماز به زبان عربی فرهنگ قرآنی به زبان عربی و وحیانی در طول قرون و در میان نسل های پی در پی به خوبی انجام پذیرد و انتقال یابد.

مسلمانان باید در هر زمان و در هر مکان از طریق نمازهای پنجگانه ارتباط دائمی خود را با زبان دین حفظ نموده و به وسیله این اصل عناصر فرهنگ دینی را در میان خود حفظ نموده آن را به نسلهای بعدی منتقل سازند. از طرف دیگر به وجود آمدن فرهنگ مشترک دینی و زبان مشترک دینی، دائمی در بین مسلمانان زمینه را برای این امر مهم و سترگ مساعد می سازد تا مسلمانان و جوامع اسلامی در حد اعلای آمادگی در برابر تهاجمات فرهنگی بیگانه قرار داشته باشند. بدین اساس و نصوص ارائه شده گفته می توانیم که به جای آوردن نماز به زبان عربی در فرهنگ پذیری و انتقال فرهنگی مسلمانان نقش بسزائی دارد و هم در پایایی و پایداری فرهنگ و هویت دینی آنان کمک و مساعدت می نماید.

باید تذکر دهم که پروردگار ما همینطور اراده فرموده است که دین مقدس اسلام و نام پیامبرصلی الله علیه وسلم تا که بشریت زنده است، زنده بماند، این هدف عظیم و سترگ و صرف و صرف از طریق نماز که به زبان عربی به صورت احسن، افضل و مطابق سنت پیامبر اسلام به جای آورده شود، امکان پذیر است و بس. علاوه بر آن که نماز به همین شکل، عبادت پروردگار است، موجب طراوت مکتب و احیای دین نیز می باشد.

شاید یکی از رموز خواندن نماز به زبان عربی و با دیگر شرایط و آداب، حفظ نماز بعد از قرن ها است، در حالی که در ادیان دیگر، ارتباط دائمی و همیشگی که مسلمانان با خدای خویش دارند، وجود ندارد و این مسأله در افزایش ایمان بسیار مؤثر است.

اگر چه با توجه به دلایلی که ذکر کردیم نماز باید به زبان عربی خوانده شود، اما این بدان معنی نیست که انسان نتواند به هیچ زبان دیگری با خداوند متعال عبادت، راز و نیاز نماید.

انسان می تواند با هر زبانی که خواست در غیر نماز با پروردگار خویش مصروف مناجات، راز و نیاز و عبادت شود و دردها و نیازهای خود را با او در میان گذارد.

- چنانچه گفته آمدیم تأکید می دارم که ترجمه ها معمولاً بیانگر تمام مقاصد و معانی الفاظ ترجمه شده و متونی که ترجمه شده، نیستند. و معمولاً تطبیق تمام عبار بین دو زبان و بودن اصطلاحات کاملاً معادل مشکل است و اختلاف در ترجمه ها خصوصاً در متون دینی بسیار شایع و متناسب با اختلاف برداشتها از یک متن دینی است.

از سوی دیگر ترجمه حد دقیق و محدودی ندارد و همه لهجه ها و زبانها را در بر می گیرد.

هر لغت از خود تاریخ و تذکره دارد و بسیار مشکل است ابعاد معانی تمام لغات و اصطلاحات در همه زبانها عین پروسه را پیموده باشد. مثلاً در حال حاضر حتی در بین خود یک زبان هم چنین مشکل وجود دارد. مثلاً زبان انگلیسی انگلستان، زبان انگلیسی افریقای جنوبی، زبان انگلیسی امریکای شمالی و در موارد در املا و انشاء و مفاهیم لغات و اصطلاحات از هم فرق دارد. چه رسد به ترجمه یک زبان به زبان دیگر و آن هم بدون تفسیر بعضی

مفاهیم و معانی بعضی لغات و اصطلاحات. تصور کنید خواندن نماز به زبان غیر از زبان اصلی که قرآن به آن نازل شده و مراعات باریکی ها، ملحقات و تفاسیر که ضرورت باشد، به کجا خواهد انجامید؟

-عبادات الهی برای انجام و به جای آوردن آن برای خود احکامی و هدایاتی دارند که نمی شود آن را به اساس مصالح بشری و مصالح زبانی مطابق به عقل بشری خویش تعدیل و تغییر دهیم و عقل خویش را بر وحی آسمانی و راه و روش پیغمبر صلی الله علیه و سلم ملاک قرار دهیم .

در قرآن عظیم الشان و عبادت اسلامی معجزه هائی وجود دارند که عقل قاصر بشری تا هنوز توانمندی درک کلی آن را نیافته است . در هر چیز و به خصوص به فرایض عبادتی الهی به عقل مراجعه کردن انسان را نه تنها به هدف نمی رساند، بلکه موجب فساد هم می گردد.

در خاتمه بحث با صراحت تام باید گفت: اولاً ما علت اصلی احکام را نمی دانیم و ثانیاً آن که اگر ترجمه نماز به زبان مادری و از جمله به زبان (پشتو و دری) معمول گردد به یقین کامل پراکندگی و چند دستگی نه تنها در بین مسلمانان افغانستان بلکه در مسلمانان جهان ایجاد خواهد نمود. امر محمدی صلی الله علیه و سلم که فرموده: «صلوا کما آیتمونی اصلی» عملی نخواهد شد و به جای آوردن نماز به زبان های مادری موجب آن خواهد شد که نوعی سر درگمی، آشفتگی و در نهایت، امر را به حدی خواهد رسانید که معانی اصیل و دقیق قرآنی در خطر تحریف و گم شدن قرار خواهند گرفت. همچنان وحدت رویه و عامل وحدت در جامعه مسلمین به معرض خطر مواجه خواهد شد.

به فهم و درک من عده ای بادرک این تأثیر منفی و غیر مطلوب به صورت آگاهانه و عده ای هم نا آگاهانه مرتکب و مدافع امر نادرست و غیر شرعی می گردند.

در ضمن تجربه زندگی نشان داده آنجا که دست ها و سلیقه های انسانی در کارهای مختلف دخالت کرده است، آن را به صورت های مختلف در آورده و از اصل خویش انحراف نموده است.

این تجربه را می توان در مورد احکام و تکالیف دینی ادیان دیگر به خوبی مشاهده نمود . که همین انسان به نام نو آوری در دین چه بلائی را در شرایع آسمانی به میان آورد، جوهر و حقیقت آن را مسخ نموده و به حیث یک دین بی مفهوم برای جامعه بشری پیشکش نموده است. به طور مثال می توان از نماز روز یکشنبه مروج در بعضی از فرقه های دین مسیحی در کلیسا نام برد .

- رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید: «من صَلَّى لَمْ يقرأ فِيهَا بِأَمِّ الْقُرْآنِ فَهِيَ خَدَاجٌ، ثَلَاثًا، غَيْرَ تَامٍ». (مسلم ۳۹۵، ۱/۲۹۶).

هرکس نماز بخواند و در آن سوره فاتحه را نخواند (این را بداند) که آن نماز ناقص و ناتمام می باشد و این مطلب را سه بار تکرار فرمودند.

- در حدیثی قدسی ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: خداوند عزوجل بیان می دارد: «قسمت الصلاة بینی و بین عبدی نصفین، فإذا قال: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (قال الله: حمدنی عبدی، وإذا قال: (الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)، قال الله: أَنتَی عَلَی عَبْدِی، فإذا قال: (مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ)، قال الله: مجدنی عبدی، وقال مرة: فوض إلى عبدی، فإذا قال: (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ)، قال: هذا بینی و بین عبدی، ولعبدی ما سأل، فإذا قال: (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ)، قال الله: هذا لعبدی، ولعبدی ما سأل». (مسلم ۳۹۵، ۱/۲۹۶). «نماز را بین خود و بندهام به دو بخش تقسیم کرده ام، پس هرگاه او بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، خداوند می فرماید: بنده ام مرا حمد و ستایش کرده است، و اگر بگوید: «الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ»، خداوند می فرماید: بنده ام مرا ثنا کرده و بزرگ داشته است، و يك بار فرمود: بنده ام امورش را به من واگذار کرده است، و آنگاه که بگوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» خداوند می فرماید: این (رمز و پیمانی است) بین من و بنده ام، و هر آنچه که بنده ام بخواهد برایش مهیا شده و فراهم می باشد، و آنگاه که بگوید: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»، خداوند می فرماید: این از آن بنده ام است، و هر آنچه را که بنده ام بخواهد فراهم می گردد.

بر اساس آنچه گفته شد در صحیح ترین نظریات و گفته های دانشمندان و فقها آمده است که: خواندن سوره فاتحه در نماز واجب است، حال تفاوتی ندارد که در نمازهای جهریه باشد یا سریه. البته مذهب امام شافعی – رحمة الله- و سایرین نیز بر همین حکم می باشد.

مستحب است برای کسی که سوره فاتحه را می خواند در پایان آن (آمین) بگوید، که معنای آن چنین است: خداوندا! این دعا و درخواستی را که در سوره فاتحه خواندم بپذیر و اجابت کن. رسول الله صلی الله علیه وسلم در این باره می فرماید: «إِذَا أَمَّنَ الْإِمَامُ فَأَمَّنُوا فَإِنَّهُ مِنْ وَاقِفٍ تَأْمِينُهُ تَأْمِينُ الْمَلَائِكَةِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (متفق علیه، البخاری، ۷۸۰، ۲/۲۶۲ فتح الباری، و مسلم، ۴۱۰، ۱/۳۰۷).

«آنگاه که امام بگوید: آمین، شما نیز آمین بگوئید، زیرا چنانچه کسی آمین گفتنش با آمین فرشتگان هماهنگ و همراه گردد، هر چه گناه در گذشته انجام داده است بخشیده خواهد شد.

همه دین در نماز خلاصه شده است و در حقیقت نماز تجلی واقعی دین است و به همین جهت گفته شد که هر کس اهل نماز نباشد اهل دینداری نیست و دیندار کسی است که قائم به نماز باشد.

خواندن فاتحه و درک معانی آن و تفکر در مضمون آن از مهمترین مقاصد نماز است و بهتر است آخر هر آیت وقف کردن امام مسلم از ابو هریره رضی الله تعالی عنه روایت می کند که شنیدم از پیغمبر صلی علی و علیه وسلم که خدای عزوجل فرمود: قرانت فاتحه در نماز بین خودم و بنده ام را به دو قسمت تقسیم کردم و برای بنده امانچه بخواهد پس هر گاه بنده گفت الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ خداوند می فرماید: بنده من شکر و سپاس من به جای آورد و هر گاه که گفت الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خداوند می فرماید: بنده ام ثنای من گفت و مرا ستود و هر گاه گفت مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ خداوند می فرماید بنده ام مرا بزرگ دانست و خود را به من سپرد و هر گاه گفت إِيَّاكَ نَعْبُدُ و إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ خداوند می فرماید اینست بین من و بنده ام و برای اوست هر چه بخواهد و هر گاه گفت: إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ . صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ. خدا می فرماید این برای اوست آنچه می خواهد.

بناءً هدفی که در به جای آوردن عبادت نماز وجود دارد به جز به زبان عربی و به جز به طریقه پیامبر بزرگوار اسلام به هیچ زبان دیگری تحقق نمی یابد .

در صدر اسلام صحابه کرام که اکثراً از کشور های مختلف به سوی اسلام رو آوردند به جز به زبان عربی به هیچ زبان دیگری به جای نیاورده اند. یعنی آن حالت و مطلب که در عصر محمد صلی الله علیه وسلم موجود بود و در آن عصر با وجود عین حالت روش دیگر استفاده نشده پس دلیل دینی و منطقی ندارد که آن را به زعم و استدلال این که گویا آنچه را که می خوانیم باید بدانیم- تغییر داد.

بلی تعلم و فهم آیات قرآنی و نصوص شرعی و فهم مفاهیم آن هدايات دینی بوده بر ماست تا از دین خویش معرفت داشته باشیم و تعالیم دینی داشته باشیم.

بلی بهتر و درست تر است تا آنچه را در نمازی خوانیم به مفاهیم آن خود را آشناء ساخته و بدانیم که چه می خوانیم و عملاً با درک مفاهیم آن از ادای نماز لذت ببریم. این امر و ضرورت و حکم دین دلیل برای تغییر و نوآوری غیر شرعی در اسلام شده نمی تواند و نیست.

حکم نخواندن سوره فاتحه در نماز:

قبل از همه باید گفت اگر شخصی بر نوشتن زبان عربی و خواندن زبان عربی بلدیت نداشته باشد، بر وی واجب است آنچه در نماز گفته می شود و انجام داده می شود، یعنی اقوال و افعال نماز و خلاصه کیفیت خواندن نماز را به صورت حتمی یادگیرد، و عدم توانایی بر خواندن و نوشتن مانع آموختن کیفیت نماز نمی گردد.

زیرا الحمد لله یادگیری نماز آسان است، بیشتر صحابه رضی الله عنهم سواد نوشتن و خواندن نداشتند، با این وجود به نحو احسن هم نماز می خواندند و هم قرآن را حفظ می کردند.

اما اگر کسی بگوید: ممکن است انسانی بتازگی اسلام آورده باشد، او اگر بخواهد نماز بیاموزد مانند حفظ کردن سوره فاتحه و تشهد و بقیه اذکار مانند اذکار رکوع و برخاستن از آن و اذکار سجده و غیره، نیازمند وقت است، در انصورت در این مدت نماز خویش را چگونه به جای آرد؟

در جواب باید گفت: این شخص نماز را بخواند، هرگاه موقع خواندن فاتحه و یا سوره رسید، به جای آن تسبیح، تحمید، تکبیر و تهلیل گوید، یعنی بگوید: (سبحان الله، والحمد لله، والله أكبر ولا إله إلا الله).

دلیل آن حدیث صحیحی که از رفاعه بن رافع روایت گردیده است:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَمَا هُوَ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ يَوْمًا قَالَ رِفَاعَةُ وَنَحْنُ مَعَهُ إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ كَالْبَدَوِيِّ فَصَلَّى فَأَخَفَ صَلَاتَهُ ثُمَّ انْصَرَفَ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْكَ فَارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ فَارْجِعْ فَصَلِّ ثُمَّ جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَقَالَ وَعَلَيْكَ فَارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ فَفَعَلَ ذَلِكَ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا كُلُّ ذَلِكَ يَأْتِي النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيُسَلِّمُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيُسَلِّمُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْكَ فَارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ فَخَافَ النَّاسُ وَكَبِرَ عَلَيْهِمْ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَخَفَ صَلَاتَهُ لَمْ يُصَلِّ فَقَالَ الرَّجُلُ فِي آخِرِ ذَلِكَ فَأَرِنِي وَعَلَّمْنِي فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ أُصِيبُ وَأُخْطِئُ فَقَالَ أَجَلٌ إِذَا فُتِمَتْ إِلَى الصَّلَاةِ فَنَوَضُّأُ كَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ ثُمَّ تَشَهَّدَ وَأَقَمَ فَإِنْ كَانَ مَعَكَ قُرْآنٌ فَاقْرَأْ وَإِلَّا فَاحْمَدُ اللَّهُ وَكَبِّرْهُ وَهَلِّلْهُ ثُمَّ ارْكُعْ فَاطْمِئِنِّ رَاكِعًا ثُمَّ اعْتَدِلْ قَائِمًا ثُمَّ اسْجُدْ فَاعْتَدِلْ سَاجِدًا ثُمَّ اجْلِسْ فَاطْمِئِنِّ جَالِسًا ثُمَّ قُمْ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُكَ وَإِنْ انْتَقَصَتْ مِنْهُ شَيْئًا انْتَقَصَتْ مِنْ صَلَاتِكَ» یعنی: « روزی

رسول الله صلی الله علیه وسلم (در مسجد) نزد ما نشسته بود، مردی بدوی (صحرائی) مانند به مسجد آمد و نماز گزارد، نمازش را کوتاه و تمام کرد و سپس به حضور پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و سلام کرد، پیامبر صلی الله علیه وسلم، سلام وی را جواب داد و فرمود: «برگرد و نمازت را بگزار، زیرا تو نمازت را نخوانده‌ای». آن مرد برگشت و نمازش را دوباره خواند، و نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و سلام کرد، پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز جواب او را داد و دوباره فرمود: «برگرد و نمازت را بگزار، زیرا تو نمازت را نخوانده‌ای». دو یا سه بار چنین کرد و هر بار نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم می آمد و سلام می داد و ایشان هم به وی می فرمود: «برگرد و نمازت را بگزار، زیرا تو نمازت را نخوانده‌ای». این امر بر مردم گران آمد مبدا کسی که نمازش کوتاه است نماز نخوانده باشد (یعنی نماز چنین کسی درست نباشد)؟! آنوقت آن مرد گفت: من بشر هستم و خطا و صواب می کنم، می خواهم که به من یاد دهید. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: بسیار خوب؛ «هرگاه خواستی به نماز بایستی، ابتداء وضوء بگیر و در آخر شهادتین بگو (یا بعد از وضوء آذان بگو)، به نماز بایست (یا بعد از آذان اقامه بگو)، اگر از قرآن

چیزی حفظ داری بخوان و گرنه الحمد لله، الله اكبر و لا اله الا الله بگو، سپس به رکوع برو تا این که در حال رکوع آرامش می‌یابی، سپس از رکوع برخیز تا این که به حالت اعتدال می‌ایستی، سپس به سجده برو و بعد از آن برخیز و بنشین و دوباره به سجده برو تا این که در سجده آرامش می‌یابی، سپس برخیز، اگر چنین کردی نمازت درست است، و اگر از آن کم کردی نمازت ناقص شده است»، رفاعه گفت: این فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم بر صحابه سهل تر آمد مبنی بر این که هرکس چیزی از نماز کم کند نمازش ناقص شده ولی کل آن از دست نرفته است (مطمئن شدند که کوتاه خواندن نماز دلیل بر نادرستی آن نیست)». ترمذی (۳۰۲).

همچنین ابوداود روایت فرموده است: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ إِنِّي لَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَخَذَ مِنْ الْقُرْآنِ شَيْئًا فَعَلَّمَنِي مَا يُجْزئُنِي مِنْهُ قَالَ قُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» (صحیح ابی داود) (۷۸۵). «مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: من (فعلاً) نمی توانم چیزی از قرآن حفظ کنم؛ به من یاد دهید که به جای آن چه بخوانم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود (به جای آن) بگو: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

خلاصه این که: چنین شخصی می بایست کیفیت نماز از جمله قرائت فاتحه و تشهد و اذکار نماز را بیاموزد، و تا آنزمان می تواند به جای خواندن فاتحه «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگوید. (مراجعه فرماید به: سبل السلام ۲۵۶-۱/۲۵۵).

الهی ما را به راه راست هدایت فرما و توان آموزش و حفظ قرآن کریم را نصیب ما نما.

آمین یارب العالمین

تتبع و نگارش:

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

مدیر مطالعات ستراتژییک افغان و مسوول مرکز کلتوری دحق لاره- جرمنی